

رهنمودهاي قرآني وروايي در ايجاد وحدت و تمدن نوين اسلامي

رهنمودهاي قرآني وروايي در ايجاد وحدت و تمدن نوين اسلامي

عبدالغفور جامي رودي[11]

توفيق جامي رودي[2]

توحيد جامي رودي[3]

چکیده

وحدت به معني يکي بودن ، يگانگي و هماهنگي بودن اجتماع مي باشد و از نظر فلاسفه اي چون شيخ اشراق؛ از اموري است که جز به مقابله با کثرت ، قابل تمديد و تعريف نمي باشد . وحدت همان صراط مستقيمي است که قرآن ، احاديث و سنت پيامبر و ياران ،ش ، مابين آن است و مخالفت با آن مخالفت با سخن خداوند و کفر محسوب مي شود و اين همان چيزي است که شاعران و نويسندگان گران قدر فارسي زبان به پيروي از دستورات خدا و رسول و برگزیدگان اسلامي، بارها درباره ي آن سخن گفته اند. آن چه مسلم است با استناد به آيات ، روايات و ادبيات مي توان نتايج ارزشمندي را از وحدت به عنوان شيوه ي اصيل قرآني برداشت نمود که از آن جمله

می توان به : محوریکتا پرستی و استوار ساختن نقاط هم بستگی ، برادری اسلامی ؛ پیروی از پیامبران ، همدردی و یاور، فلسفه ی بعثت پیامبران ، برکت و رحمت الهی، رشد عقل؛ اطاعت از امیر ؛ منشأ بهروزی وسعادت و عزّت؛ کاهنده ی تنش ها و اختلافات و... اشاره کرد. برای رسیدن به وحدت مطلوب راهکارهایی چون: جنگ زدن به ریسمان الهی، امر به معروف و نهی از منکر، تعامل علمی با فرهیختگان مذاهب، آسان گیری و اغماض در مسائل اختلافی، پرهیز از تعصبات خشک مذهبی، پرهیز از توهین به مقدسات مذهبی یکدیگر، پرداختن به مسائل کلان امت اسلامی و در نهایت سعی و کوشش در جهت گسترش عدالت اجتماعی و کم کردن فاصله طبقاتی مذاهب مختلف توصیه می شود. در این پژوهش سعی شده است تا اهمیت وحدت با استناد به آیات و روایات و نیز آثار ادبی مورد بررسی قرار گرفته و سپس راهکارهای ایجاد وحدت بیان گردد.

واژگان کلیدی: آیات و روایات، ادبیات، پیشرفت، محبت، مساوات، مودت، وحدت .

1) مقدمه

به نام مهربانی که رحمتش همه ی هستی را فرا گرفته و درود و سلام بر پیامبر رحمتی که با قلب مهربانش، شفقت و محبت و رحمت را چون شربت گوارا به امتش نوشاند.

از موضوعات بسیار مهم و ارزشمندی که در قرآن کریم و سخنان گرانقدر پیامبر اکرم (ص) و یاران و اهل بیت بزرگوارشان و نیز در اشعار سخن سنان اقیانوس بی کران زبان فارسی به آن توجه شده است وحدت، همدلی و تألیف قلوب است؛ و این همان چیزی است که عقل و فطرت انسان آن را ستایش می کند .

نکته ی وحدت مجوی از دل بی معرفت گوهر یک دانه را در دل دریا طلب (وحشی بافقی، 1370: 162، قصاید)

اگر چه وحدت را می توان به شاخه هایی چون وحدت مرام و وحدت ملی تقسیم کرد اما مراد ما در این زمینه بیشتر بحث راجع به وحدت اسلامی می باشد که باعث می شود تا اسلام، معنویت و روحانیت خود را حفظ کرده بیش از پیش مستحکم تر نماید و جلوی بهره برداری استعمار و تجزیه شدن کشورهای اسلامی را بگیرد.

از طرفی دیگر همواره حفظ نظام اسلامی و مصالح عمومی بر منافع شخصی و گروهی مقدم بوده است و

اینان از هر اقدامی که تفرقه و شکاف میان جماعت اسلامی را به دنبال داشته باشد، اگرچه نفع شخصی در آن می‌دیده‌اند، احتراز می‌کرده‌اند و این بهترین الگو برای پیشرفت اسلام و ایران عزیزمان است. زیرا تفرقه و تشت باعث درگیری و نزاع بین اقوام و مذاهب گوناگون گشته و افکاری که باید صرف پیشرفت و ترقی یک کشور شود به انحطاط کشیده شده و رنگ می‌بازد. به همین دلیل چه در ایران اسلامی و چه در سایر کشورهای اسلامی همواره مصلحان و نویسندگانی بوده‌اند که با قدم و قلم گام در راه وحدت نهاده‌اند که از اطلاعات و تجربیات بخشی از این نویسندگان عالی قدر در این پژوهش به عنوان مأخذ بهره‌گیری شده است.

2- معنا و نقش وحدت و انسجام اسلامی

وحدت و اتحادیه معنی یکی بودن و هماهنگ بودن اجتماع در اصل از ریشه «وحد» به مفهوم یکتایی و یگانگی می‌باشد و از نظر فلاسفه ای چون شیخ اشراق؛ از اموری است که قابل تمديد و تعريف نمی‌باشد مگر به مقابله با کثرت. (معین، 1384: 3437، ج 4) بنابراین می‌توان گفت معنای اتحاد این است که چند شیء در عین کثرتشان، مشترک باشند و به لحاظ اشتراکشان، نوعی وحدت حاصل کنند.

وحدت همان چیزی است که کتاب آسمانی، احادیث پیامبر و سنت پیامبر و یاران‌ش مبین آن است و عقل و فطرت انسان آن را ستایش می‌کند.

وحدت همان صراط مستقیم است و مخالفت با وحدت در حقیقت همان مخالفت با سخن خداوند در قرآن کریم است که این عمل بدترین نوع کفر محسوب می‌شود.

وحدت باعث می‌شود تا از تشتت و تفرقه جلوگیری شود و اصول را که همان خدای واحد، پیامبر واحد، قبله ی واحد، قرآن واحد و... است؛ سرلوحه ی کارمان قرار دهیم و با برادری، یکرنگی و وحدت در میان مسلمانان موجبات نزول رحمت و خیر الهی را فراهم آوریم.

آنچه از مجموع مفاهیم قرآنی، بیانات و سیره پیامبر و یاران برگزیده اش فهمیده می‌شود، این است که همواره حفظ نظام اسلامی و مصالح عمومی بر منافع شخصی و گروهی مقدم بوده است و اینان از هر اقدامی که تفرقه و شکاف میان جماعت اسلامی را به دنبال داشته باشد، اگرچه نفع شخصی در آن

1/2- وحدت در قرآن

انسان موجودی مدنی است و هیچ تفاوتی بین توده مردم وجود ندارد و قرآن برای ما نازل شده تا از دستورات الهی و قانونی آن پیروی کنیم. در قرآن هر موضوعی به طور روشن بیان شده و هر کس به اندازه ی استعداد و نیروی ذهنی خود از آن بهره مند می شود. یکی از این موضوعات بسیار مهم و قابل توجه ، موضوع وحدت است که با مفاهیمی چون: «واعتصموا» (1)، «تعاونوا» (2)، «اصلحوا» (3)، «اصلاح بین الناس» (4)، «الصف بینهم» (5)، «امّةٌ واحدةٌ» (6)، «امّةٌ وسط» (7)، «حزباً واحداً» (8)، «صبغةً واحدة» (9) و «اخوة» (10) آمده است.

قرآن به مساله اتحاد از دیدگاه اجتماعی آن نگریسته و بر اهمیت اتحاد میان جهانیان، ادیان، مسلمانان و نهاد خانواده تاکید کرده است و پیوند میان دل های مؤمنان را نوعی تصرف الهی می شمارد و برای ایجاد و حفظ چنین یگانگی، بعثت پیامبران به همراه شرایع را ضروری می داند و برای برقراری یگانگی و نیز حفظ آن، راه کارهای گوناگونی را پیش بینی کرده که بخشی از آن، جنبه پیش گیری از تفرقه، و بخشی دیگر به درمان آن ناظر است.

از نظر قرآن، انسان ها از جنس مذکور مؤنث آفریده شده اند. (حجرات: 13) و مردمان امتی یگانه و واحد می باشند. (بقره: 213) و تفاوت رنگ و زبان آن ها مایه ی امتیاز و برتری نیست بلکه نشانه های قدرت الهی است. قرآن می کوشد تا همه ی انسان ها را در یک جامعه ی جهانی گردآورد و جهانی شدن به عنوان یک فرایند طبیعی و جهانی سازی به عنوان یک برنامه ی اسلامی مورد تأکید و تأیید اسلام و قرآن است. قرآن در کنار برنامه های تشریعی، پیروان مذاهب و شریعت های مختلف را به گردآمدن به نقاط مشترک با یک دیگر فرا می خواند. (آل عمران: 64) و بدین ترتیب، بنیاد جامعه ی جهانی آرام و امن همراه با احترام متقابل به فرهنگ ها و ملیت ها را پایه گذاری می کند و خود را کتاب مصدّق می نامد. (بقره: 41).

محور وحدت در دیدگاه قرآنی «توحید» و در مرتبه‌ای دیگر دین اسلام است. قرآن کریم پیامبر را به سوی اهل کتاب می‌فرستد و از آنان برای پیوستن به شعار توحید و جدایی از غیر او دعوت می‌کند: «ای پیامبر! به اهل کتاب بگو، بیایید بر اساس کلمه‌ای که بین ما و شما مشترک است، غیر از خدا را نپرستیم و یکدیگر را در برابر خداوند بعنوان رب و پروردگار نگیریم (وحدت کنیم). پس اگر روی برگردانند بگوئید، شاهد باشید که ما اهل تسلیم در برابر حق هستیم». (آل عمران: 64)

آیه شریفه فوق نشان می‌دهد که مرز اتحاد «توحید» است و مشرکان و کافران که بر محور غیر توحید حرکت می‌کنند، در وحدت دینی پذیرفته نخواهند شد. در تبیین محور وحدت، آیات دیگری نیز وجود دارد که اعتقاد به رسول خدا، اعتقاد به اولی‌الامر و قبول حکم را اضافه می‌کند. به این ترتیب وحدت واقعی با توجه به این آیات تفسیر می‌شود. و این همانی است که ملک الشعراء بهار بسیار زیبا مارا به حق خواهی و یکتا پرستی در سایه ی توحید فرامی خواند

روزدینداری و روز یاری است

وقت حق خواهی و حق گزاری است

برتو او و ماجمله جاری

حکم اسلام و حکم پیمبر

است

کاین سخنها ز دشمن شعاری است

ما و او بی نباشد در اسلام

(سبزیان، 1386: 183)

عطار همه ی انسان ها را شناگرانی در دریای وحدت و یکتا پرستی برمی شمارد که اگرچه بسیار زیاده‌ستند ولی از یک گوهر گرفته شده اند:

گرچه بسیارند لیکن درصفت یک گوهرند

جمله غو^۳ اصند در دریای وحدت، لاجرم

(عطار نیشابوری، 1371: 159)

ودرنهایت مولانا به عنوان خلاق ترین، و خوش نام ترین شاعر ادبیات فارسی که مفاهیم وزین قرآنی و پیام های گرانقدر پیامبر اکرم(ص) در اشعار او نقش بسته است در این باره می گوید:

اختلاف خلق از نام اوفتاد

چون به معني رفت آرام اوفتاد

اتحادخالي ارزشگرک ودويي

باشدازتوحيدې بي ما وتويي

آفرين برعشق کل او ستاد

مدهزاران ذرّۀ را داد اتحاد

(مولوي، 1371: 96، دفتر 2)

وباز درهمين دفتره صورتي بسيار ماهرانه واستادانه مي نويسد:

اين من وما بهر آن برساختي

تاخود باخود زرد خدمت باختي

تا تو با ما و تو یک جوهر شوي

عاقبت محض چنان دلبر شوي

تا من و تو ماهمه یک جان شوند

عاقبت مستغرق جانان شوند

(هما، 1371: 135، دفتر 2)

1/2/2- وحدت بين امت اسلامي

براساس آيات قرآني، وحدت امت، سبب مصونيت دين، تايد الهي ونصرت است ونعمتي است که هيچ مسئله اي با آن برابري نمي کند. (انفال: 62 تا 64)

ابن يمين شاعر شيرين سخن واستاد مسلم قطعه سرايي، با استناد به آيات فوق، جايگاه وارزش اتحاد وهمدلي را اين گونه بيان مي کند:

دو دوست باهم اگر یک دل اند درهمه کار

هزار طعنه ي دشمن به نيم جو نخرند (ابن

يمين، بي تا: 182)

صائب تبریزی شاعر نامدار سبک هندی در دیوان ارزشمند خویش که آکنده از مضمون یا بی است در قالب تمثیلی بسیار زیبا، وحدت را به دعای جوشن تشبیه نموده و نتیجه می گیرد که دانه تاهنگامی در خرمن و در حضور جمع و به دور از هرگونه افتراق و انفصال است هیچگاه از روزگار زخم و ضربه ملامت نمی بیند.

اتفاق دوستان با هم دعای جوشن است سختی از دوران نبیند دانه تادخرمن است (صائب تبریزی، 1382: 314)

بی شک اتحاد و انس و الفت از منتهای الهی است. علی ابن ابی طالب (رض) در خطبه ی 192 نهج البلاغه اتحاد را عامل پیروزی ملت ها دانسته و می فرمایند: «... و بروح و وحدت و همدلی همت گماشتند، و یکدیگر را به وحدت واداشته، به ان سفارش کردند. و از کارهایی که پشت آن ها را شکست، و قدرت آن ها را در هم کوبید، چون کینه توزی با یکدیگر، پرکردن دل ها از بخل و حسد، به یکدیگر پشت کردن و از هم بریدن، و دست از یاری هم کشیدن بپرهیزید.» (علی ابن ابی طالب، 1387: 281)

در آیه ی 103 سوره «آل عمران» آمده است: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...»؛ یعنی همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید؛ و نعمت خدا را به خود یاد کنید آن گاه که با هم دشمن بودید و اومیان دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید و بر برترگاهی از آتش بودید، و او شمارا از آن رها نید. این آیه شریفه از مسلمانان می خواهد که با اسلام از دنیا خارج شوند، از این رو اعتصام به ریسمان الهی با توحید منهای نبوت پیامبر و لوازم آن صادق نیست.

در آیه ی 10 سوره ی حجرات خداوند بیان می کند: «انما المؤمنون اخوه» فاصلاخوا بین الاخویکم واتقوا الله لعلکم ترحمون» یعنی مؤمنان با هم برادرند، میان برادران صلح برقرار کنید و خدا ترس و با تقوا باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرید.

در آیه ی 136 بقره آمده است: «... لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون». خداوند این وحدت را در آیه ی 138 بقره به عنوان صیغه ا معرفیه می نماید و می گوید: «صیغه ا» و من احسن من ا» صیغه «»

و سرانجام در آیه ی 29 سوره ی فتح می خوانیم: «محمد رسول الله والذین معه» اشداء على الكفار رخصاء» یعنی: محمد رسول خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر و در میان خود مهربانند. و این همان چیزی است که در کلام مولانا طنین انداز شده است که:

اتحادیار، بایاران خوشست پای معنی گیر، صورت سرکش است (مولوی، 1371: 31)
، دفتر اول، ب 692)

وملك الشعراي بهار نیزه گونه اي ديگر از آن بهره برده است:

هند و ترکیه و مصر و ایران تونس و فارس و قفقاز و افغان

درهویت دو، اما به دین یک مختلف، تن ولی متحد، جان

جملگی پیرو دین احمد جملگی، تابع نصّ قرآن

مسلمی گریگرید به طنجه مؤمنی نالد اندر بدخشان

آری این راه و رسم عباد است

روز یکرنگی و اتحاد است (بهار: 1382)

پیامبر اکرم (ص) در اندیشه و علم و عمل با تعصبات قومی و نژادی مقابله و مبارزه می نمودند و همواره به وحدت و برادری و عزّت و مودّت فرامی خواندند.

این سخن ژرف و بیدارگراز پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: «ای مردم همه ی شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است. عرب را بر غیر عرب هیچ فضیلت و برتری نیست مگر به تقوا و پرهیزگاری.» (حرانی، بی تا: 34) به همین دلیل است که مولانا، همدلی را از هم زبانی بهتر می داند:

پس زبان محرمی خود دیگر است هم دلی از هم زبانی بهتر است (مولوی، 1371: 54 ،
دفتر اول، ب 1234)

در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: «المسلمون اِخْوَةٌ لافَصلَ لَاحَدٍ اِلاّ بِرِالتَّقْوِی.» «مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر از حیث تقوا.» (متقی هندی، 1374، ج 31: 12)
مولانا نیز با اشاره ای بسیار استادانه مارا به اتحاد و یکی شدن فرامی خواند تا

از جام وحدت، جرعه ای بنوشیم:

که منم تو، تومنی در اتحاد

نقش من از چم تو آواز داد

(مولوی، 1371: 179، دفتر دوم، ب 104)

و نیز:

شده محو در نظرشان ارنی و لن

زمقام لی مع ای همه هست جام وحدت

ترانید (همان: 1371)

افرادی همچون مولانا، یکی از بزرگترین شخصیت‌های انسانی و اسلامی، اهمیت شخصیت پیامبر (ص) را به خوبی درک کردند و لی متاسفانه خواننده اشعار مولانا را می‌خواند اما به عمق آن پی نمی‌برد. برای فهم چنین متونی، آگاهی از وجود مطلق که از دیدگاه مولانا همان عشق است و در اصطلاح صوفیان احدیت نام دارد، ضروری است. هرچه بیشتر سبیل‌ها را در خود زنده کنیم آمادگی بیشتر برای رسیدن به ظهور عشق را در خود پیدا می‌کنیم.

هفت بحر آن قطره را باشد اسیر

قطره ای کز بحر وحدت شد سفیر

پیش خاکش سرنهدا فلاک او

گرگرف خاکی شود چالاک او

پیش خاکش سرنهند املاک حق

خاک آدم چون که شد چالاک حق

از یکی چشمی که خاکی

السَّـمَاءُ النّـشَقَّـتْ آخِرَ از چه بود

برگشود...

خاکی را گفت پرها

یس یقین شد که تُعْزِزُ مَن تشاء

برگشا

(مولوی، 1371: 238، دفتر دوم، ابیا 1626 تا 1629 و 1636)

وسرانجام باید دانست که هیچ دینی مانند اسلام، به برادری و اخوت فراخوانده است و به پی ریزی
اتحاد و هم بستگی و هم یاری و همکاری فرمان نداده و بالطبع به شدت از دشمنی و تفرقه، برحذر نداشته است.

باز رسید آیتی از طَرف عنایتی
وحدت بی نهایتی گشت امام و مقتدی
(مولوی، 1380: 897)

ابن یمین نیز می سراید:

دو دوست با هم اگر یک دلند درهمه کار
هزار طعنه ی دشمن به نیم
جو نخرند

نظیر این بنمایم تو راز مهره ی نَرَد
یکان یکان به سوی خانه راه
نمی برند

ولی دومی ره چو هم پشت یکدیگر گردند
دگر تپانچه ی دشمن به هیچ
رو نخرند

یکوش ابن یمین دوستی به دست آور
که دشمنان سوی یک تن به صد بدی نگرند

(شهیدی، 1381: 11)

عطار معتقد است که وحدت دارای نوری است که از برچیدن من و ما و دوئیت، تولید می شود:

برقی برون جست از قدم، بر کندگی تی راز هم
تا نور وحدت زد علم، تا من و ما افتاده
شد

(عطار نیشابوری، 1371: 143)

مخاطبان دعوت به یگانگی، نقاط مشترکی دارند که قرآن بر این نقاط، انگشت گذاشته و آنان را به یگانه شدن بر محور آن ها فراخوانده است.

تاکید بر این که انسان ها همه از خاک آفریده شده (حج:5) یا از يك پدر و مادر زاده شده اند؛ (حجرات:13) و این که کرامت انسانی به همه انسان ها متعلق بوده و رنگ و نژاد در آن تاثیر ندارد؛ (اسراء:70) توجه دادن به این نقاط مشترك در یگانگی جهانی است. دعوت از پیروان ادیان آسمانی و اهل کتاب به نقاط مشترك عقیدتی (آل عمران:64) نیز بدین سبب انجام گرفته است.

این شیوه ی اصیل قرآنی نه تنها میان مسلمانان بلکه میان کسانی که نزدیک ترین ادیان آسمانی را برگزیده اند و اهل کتاب به شمار می آیند، دیده می شود. آن جا که خداوند در آیه ی 64 آل عمران می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ - وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا - وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ - فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا الشَّهَادَا بِلَانَا مُسْلِمُونَ» بگو: ای اهل کتاب بیا بید برسرخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک اونگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد؛ پس اگر [از این پیشنهاد] روی گردانند، بگوید: شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما]

اقبال لاهوری شاعر فارسی زبان پاکستانی از جمله کسانی است که در برقراری روابط اسلامی نقش بسزایی داشته است او می گوید:

پس خداوند بر ما شریعت ختم کرد

بر رسول ما رسالت ختم کرد

رونق از ما، محفل ایام را

اورسل را ختم، و ما ایام را

خدمت ساقی گری با ما گذاشت

داد، ما را آخرین جامی که داشت

قوم را سرمایه ی قووت از او

حفظ سر وحدت ملّت از او

حق تعالی نقش هردعوی شکست

تا ابد اسلام را شیرازه بست (اقبال

ناصر خسرو معتقد است اگرچه عناصر چهارگانه با هم مخالفند اما به علت دارا بودن نقاط مشترک، برادروار در کنار یکدیگر نشسته اند:

اگر ضد ندا خشیجان، چرا هر چار پیوسته بُوند از غایت وحدت برادروار در یک جا

فردوسی نیز با سرودن ابیاتی ارزشمند همچون بیت زیر جایگاه وحدت را بیان می کند:

به لشکر توان کرد این کارزار به تنها چه خیزد از یک سوار
(فردوسی، 1314: 489، ج 4)

مائب تبریزی با تشبیهات بسیار زیبا گاهی دوبرادر را مانند دو مصراع می داند که با پیوستن به هم یک بیت را تشکیل می دهند و گاهی به دوبرگ سبز مانند می کند که از یک دانه به وجود آمده اند:

یاد ایامی که با هم آشنا بودیم ما هم خیال وهم صغیر وهم نوا
بودیم ما

معنی یک بیت بودیم از طریق اتحاد چون دو مصرع، گرچه در ظاهر جدا بودیم ما

بود دائم چون زبان خامه حرف ما یکی گرچه پیش چشم صورت بین، دوتا بودیم ما

چون دوبرگ سبز، کز یک دانه سربیرهون کند یک دل و یک روی، در نشو نما بودیم ما

دوری منزل، حجاب اتحاد ما نبود داشتیم از هم خبر
، در هر کجا بودیم ما

چاره جویان را نمی دادیم مائب درد سر دردهای کهنه هم را دوا
بودیم ما

1/4/2- وحدت، فلسفه ی بعثت پیامبران

امام خمینی (ره) درباره توحید کلمه وتوحید عقیده می فرمایند: «یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیاء عظام، سلام الله علیهم، که علاوه بر آنکه خود مقصود مستقل است، وسیله ی پیشرفت مقاصد بزرگ ودخیل تام درتشکیل مدینه ی فاضله می باشد، توحید کلمه وتوحید عقیده است.» (خمینی، 1386: 3)

قرآن کریم حفظ وحدت و پیشگیری از هرگونه تفرقه را فلسفه ی تشریع دین و بعثت پیامبران معرفی کرده، می فرماید: «مردم امتی یگانه بودند، سپس خداوند پیامبران رامژده رسان و بیم دهنده برانگیخت و به همراه آنان، کتاب را به حق نازل کرد تا میان مردم دران چه که اختلاف داشتند داوری کند.» (بقره: 213)

1/5/2- اتحاد، اطاعت از پیامبران

خداوند درآیه ی 285 سوره ی بقره می فرماید: «...والمؤمنون كلٌّ امنٌ باللهِ وملائکتهِ وکُتُبهِ ورُسُلِهِ، لانفِرَ قُ بینَ احدٍ من رُسُلِهِ وقالوا سَمِعنا واطعنا عُفْرانَكَ رَبِّنا وَاِلَیْكَ الْمَصیر» یعنی ومومنان همه به خدا وفرشتگان خدا وکتب وپیامبران خدا ایمان آوردند و(گفتند): ما میان هیچ یک ازپیامبران خدا فرق نگذاریم وهمی یک زبان ویک دل فرمان خدا را شنیده واطاعت کردیم. خدا یا ما امرزش تورا می خواهیم ومی دانیم که بازگشت همه به سوی توست.

1/6/2- اتحاد، یاور و پشتیبانی

اگر اندکی بیندیشیم درمی یابیم که خدای بزرگ، چگونه مردان وزنان با ایمان را یاور و پشتیبان

يکديگر قراردادده وگفته است: «والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولياءُ بعض يا مرونَ بِالمعروفِ وينهونَ عن النمکر...» (توبه: 71)

نخستين توصيف مؤمن در اين آيه تعاون و همکاري نسبت به يکديگر است. پيامبر اکرم نيز مؤمنان را برادر يکديگر و مانند پيکري واحد مي دانند که اگر عضوي به درد آيد اعضاي ديگر نيز احساس درد مي کنند. (مصطفوي، بي تا: 242، ج3) وجه زيبا سعدي عليه الرحمه فرموده است:

بني آدم اعضاي يکديگرند (يک پيکرند) که در آفرينش زيک گـــــوهرند

چـــــو عضوي به درد آورد روزگـــــار دگر عضوهارا نيا بـــــد قرار

توکز محنت ديگران بي غمـــــي نشايد که نامـــــت نهند آدمي

(سعد ي، 1365: 47، گلستان، باب 1)

وبه قول سيد قطب، در طبيعت فرد مؤمن يگانگي و همکاري وجود دارد، همه با هم هم پشت و مددکارند و همکاري آن هادر کار نيک و جلوگيري از کار نا پسند است. (سيد قطب، 1361: 253، ج4)

سنايي غزنوي در حقيقه الحقيقه ، پشتيباني آب را از هم جنسش باعث بارور شدن باغ و بوستان و اصلاح خشکسالي مي داند:

آب راجون مدد بوده هم از آب گلستان گردد آن چه بود خراب

و فردوسي سراينده ي اثرگران سنگ شاهنامه معتقد است وقتي دوبرادر با هم يار و ياور باشند مي توانند به آساني کوه را از جاي در آورند:

زدانا تونشيد ي اين داستان که برگويد از گفته ي باستان

که گرد و برادر نهند پشتِ پشت تنِ کوه را باد ماند به مـشت

نظامی، شاعرنامی و نامدار ایران اسلامی که توجه و تکیه ی او بر مضامین اخلاقی، اجتماعی و اندرزی، برای شعر او در ادبیات فارسی جایگاه والایی ایجاد کرده است، بابت زیرآمیزش و جوشیدن در میان توده های مردم را در پرتو تألیف قلوب و همدلی سفارش می کند و از جمله میژگی ها و صفات ممتاز انسانی را، خوگری و الفت انسان با دیگر انسان ها می داند:

با مردم درآمیز اگر مردمی
که با آدمی خوگراست آدمی
(نظامی، 1380:853)

مولانا راه رسیدن به این وحدت را، گذشتن از تلخی ها و شیرینی های داند:

تا زهر و از شکر درنگذری
کی ز وحدت وز یکی بویی بری (مولوی: 1371)

از نعمان بن بشیر روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاهُمِهِمْ، وَتَوَادُّهُمْ، وَتَعَاظُفِهِمْ، كَمَا تَلِ الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى». (بخاری: 6011) یعنی مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر مانند اعضای یکدیگرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا بی قرار می گردند و تب می کنند. (بخاری، 1384:587، ج 2، باب دهم، حدیث 1995)

در حدیث دیگری از پیامبر روایت شده است: «الْمُؤْمِنُ لِمُؤْمِنٍ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بِعَضْوِهِ بَعْضًا ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ...» (بخاری: 6027) یعنی مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می شوند. سپس رسول ﷺ انگشتانش را داخل یکدیگر نمودند (و با این کار استحکام را به حاضرین نشان دادند). ... (بخاری، 1384:590، ج 2، باب شانزدهم، حدیث 2003)

آیه ی 4 سوره ی مبارک صف نیز ناظر بر همین معناست: «إِنَّمَا يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَا كَانَهُمْ بَنِيَانٍ مَرْصُومٍ» در حقیقت خدا دوست دار کسانی است که در راه او صف در صف، چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرب اند، جهاد می کنند.

روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «المؤمنون كَرَجُلٍ واحدٍ إن اشتكى عينه أو
أشكى كُله أو إن اشتكى رأسه أو اشتكى كُله» (الهي: 1382: 8، به نقل از مسلم) شخص مؤمن مانند
مرد واحدی است اگر چشمش شکایت کند تمام اعضای بدنش شکایت می کند و اگر سرش شکایت کند، تمام اعضای
بدنش شکایت می کند.

2/2- وحدت در احادیث و کلام بزرگان

حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) نمونه يك انسان کامل الهی است و نگاه ما به پیامبر اعظم (ص)
به عنوان يك الگوی ازلی هیچگاه تغییر نمی کند زیرا پیامبر رحمت^۱ للعالمین است.

هیچ نبی و کتابی همانند پیامبر اکرم و قرآن کریم نبوده اند که آن قدر به این رمز سعادت بشری
یعنی وحدت تکیه داشته باشند، اما جامعه مسلمانان دچار تفرقه است و این سایه شوم متأسفانه بر سر
جامعه اسلامی سایه افکنده است.

2/1/2- وحدت، هم دردی با یکدیگر

از «نعمان بن بشیر (رض)» روایت است که رسول خدا (ص) فرمود: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَاخُمِهِمْ،
وَتَوَادُّهُمْ، وَتَعَاطُفِهِمْ، كَمَا تَلِجُ الْجَسَدُ، إِذَا اشْتَكَى عَضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ
بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى» (بخاری، 1384: 6011) «مؤمنان در مهرورزی و دوستی و عطوفت مانند یک پیکرند که
هرگاه عضوی از آن به درد آید سایر اعضا با بی خوابی و تب به یاری آن می شتابند» (الخواصی مصری
1377: 89 و 90؛ بخاری، 1384: 587، ج 2، باب دهم، حدیث 1995) با توجه به حدیث فوق، مؤمنان چنان هستند که
اگر مصیبتی دامن گیر یکی از آن ها شود بقیه ی مؤمنان، خود را سهم می دانند و در آسان نمودن مشکل
به یاری اش می شتابند. ملات های مسلمان نیز باید عبرت گرفته و بیاموزند که وقتی مانند پیکر واحدی
هستند باید در تنهایی ها و مشکلات به یاری یکدیگر بشتابند این که سرزمین خود را برای کوبیدن
مسلمین در اختیار دشمنان اسلام قرار دهند.

در حدیث دیگری از پیامبر روایت شده است: «الْمُؤْمِنُ لِمُؤْمِنٍ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بِعَضْوِهِ بَعْضًا» ثُمَّ شَدَّكَ بَيْنَ اصْبِرْ... (بخاری: 6027) یعنی مؤمنان برای یکدیگر مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می شوند. سپس رسول ﷺ انگشتانش را داخل یکدیگر نمودند (و باین کار استحکام را به حاضرین نشان دادند)... (بخاری، 1384: 590، ج 2، باب شانزدهم، حدیث 2003)

آیه ی 4 سوره ی مبارک صف نیز ناظر بر همین معناست: «إِنَّمَا يَحِبُّ الَّذِينَ يِقَاتُلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفَا كَانَهُمْ بَنِيَانٍ مَرْصُومٍ» در حقیقت خدا دوست دار کسانی است که در راه او صف در صف، چنان که گویی بنایی ریخته شده از سرب اند، جهاد می کنند.

روایت دیگری از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: «الْمُؤْمِنُونَ كَرَجُلٍ وَاحِدٍ إِنِ اشْتَكِيَ عَيْنَهُ اشْتَكِيَ كُلَّهُ» و إِنِ اشْتَكِيَ رَأْسَهُ اشْتَكِيَ كُلَّهُ» (الهی: 1382: 24، به نقل از مسلم) شخص مؤمن مانند مرد واحدی است اگر چشمش شکایت کند تمام اعضای بدنش شکایت می کند و اگر سرش شکایت کند، تمام اعضای بدنش شکایت می کند.

2/2/2- وحدت، برکت و رحمت الهی

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الجماعةُ رحمةٌ والفرقةُ عذابٌ». (پاینده: 1382، ج 1323) جماعت و وحدت مایه ی رحمت الهی و تفرقه باعث عذاب الهی است.

وجه زیبا مولوی این سخن گران بار را به تصویر می کشد که:

گفت با این مراد حجت است لیک جمعند و جماعت رحمت است

رازگویان باز بمان و بی زبان «الجماعة رحمة» تأویل بدان

چون جماعت رحمت آمدای پسر جهدکن کز رحمت آری تاج سر
(مولوی، 1371: 93، دفتر 2)

و در حدیث دیگر می فرمایند: «یَدَا عَلِی الْجَمَاعَه» (الهی، 1382: 30، به نقل از ترمذی) دست خدا همراه جماعت است.

و نیز: «دو تن از یکی بهتر و سه تن از دو تن برتر و چهار تن از سه تن نیکوتر است، پس همیشه با جماعت باشید.»

ابوالدرداء می گوید: اسلامی نیست مگر به فرمانبرداری، و خیری نیست مگر در جماعت. (تاریخ مدینه ی عشق، 25/24).

علامه اقبال نیز با استناد به این احادیث، جماعت را رحمت دانسته و ما را به وحدت و جمع گرایي تشویق می نماید زیرا شیطان به راحتی نمی تواند در جماعت نفوذ کند:

فرد را ربط جماعت، رحمت است
است (حجازی، 1354: 39)

تا توانی با جماعت، یار باش
رونق هنگامه ی احرار باش

حرر ز جان کن گفته ی خیر البشر
هست شیطان از جماعت دورتر (لاهوری: 1330)

فرد می گیرد ز ملت احترام
ملت از افراد می یابد نظام
(حجازی، 1354: 39)

فرد تا اندر جماعت گم شود
قطره ی دریاطلب، قلزم شود
(همان، 1354: 39)

در خطبه ی 127 نهج البلاغه از حضرت علی (ع) نقل شده است: «وَالزَّيْمُ وَالسَّوَادُ الْاَعْظَمُ» یعنی با سواد اعظم (اجتماع و جمعیت) همراه شوید. (بی آزار شیرازی، 1404: 39، ج 2، مقاله ی: مراحل مبارزه ی اسلام با تفرقه افکنان از آیت ا منتظری)

عطار، وحدت را چون گنجی می داند که برای رسیدن به آن تحمل رنج را پیشنهاد می کند:

چون به تاریکی دَرست آبِ حیات
دهند (عطار، 1371: 168)

مولوی نیز با ایراد همان عقیده می گوید:

صورت سرکش، گدازان کن به رنج
تا ببینی زیر او وحدت جو گنج
(مولوی، 1371: 31، دفتر اول، بیت 693)

2/3/2- وحدت، برادری اسلامی

پیامبر اکرم در اندیشه و علم و عمل با تعصبات قومی و نژادی مقابله و مبارزه می نمودند و همواره به وحدت و برادری و عزّت و مودّت فرامی خواندند.

این سخن ژرف و بیدارگراز پیامبر اکرم (ص) است که فرمودند: «ای مردم همه ی شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است. عرب را بر غیر عرب هیچ فضیلت و برتری نیست مگر به تقوا و پرهیزگاری.»
(حرّانی، بی تا: 34)

و نیز: «المسلمون اِخوهٌ لافضلَ لِاحَدٍ اِلَّا بِالتَّقْوِی.» «مسلمانان باهم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر از حیث تقوا.»

از امام صادق (ع) نقل شده است که: «تَوَاصَلُوا وَتَبَارَّوا وَتَرَاهُمُوا وَكُونُوا اِخْوَهٌ اَبْرَاراً كَمَا اَمَرَکُمُ الْاُئِمَّةُ عَزَّ وَجَلَّ.» (کلینی رازی، 1375: 175، ج 2، 2) «با یکدیگر پیوند داشته باشید و خوشرفتاری و مهربانی نمایید و برادرانی نیکوکار باشید، همان گونه که خدای عزوجل فرمانتان داده است.» (خمینی، 1386: 4) و در سخنرانی دیگر می فرمایند: «در جمهوری اسلامی همه ی برادران سنی و شیعه در کنار هم و باهم برادر و در حقوق مساوی هستند. هر کس خلاف این را تبلیغ کرد، دشمن اسلام و ایران است.» (همان، 1386: 245)

وسرانجام باید دانست که هیچ دینی مانند اسلام، به برادری و اخوت فراخوانده است و به پی ریزی
اتحاد و هم بستگی و هم یاری و همکاری فرمان نداده و بالطبع به شدت از دشمنی و تفرقه، برحذر نداشته
است.

2/4/2- وحدت، رشد عقل

عقل یکی از منابع غیرقابل انکار شناخت و معارف بشری در همه زمینه های مادی و معنوی حیات
است. در آموزه های مترقی اسلام، آن مقدار که از عقل ستایش شده، از کم تر مقوله ای تمجید گردیده
است و این ستایش به گونه ای است که به کاربرد و کارایی عقل و تأثیر آن در شناخت واقعیت های عالم
هستی و تمیز درستی از نادرستی و نیز استنباط احکام شرعی نظر دارد پیامبر اکرم می فرمایند: «والتودد
الی الناس نصف العقول» (لاله، 1382: 20) دوستی با مردم نیمی از عقل است. مولانا نیز با استناد به آیات قرآن
و در سایه وحدت، ما را به مشورت فرامی خواند و می گوید:

مشورت ادراک و هشیاری دهد
عقل ها مرعقل را یاری دهد
(مولوی، 1371: 47، دفتر اول، ب 1059)

صائب تبریزی شاعر گرانقدر فارسی، وحدت فکر را به جوشن و سپری شکست ناپذیر تشبیه می کند.

خوش آن گروه که مست بیان یکدگرند
رجوشن فکر، می ارغوان یکدگرند
نمی زنند به سنگ شکست، گوهر هم
پی رواج متاع و کان یکدگرند
زنند به سر هم گُل، زمصرع رنگین
که از گُشاد جبین، گلستان
یکدگرند (صائب تبریزی 1382: 46)

ملک الشعراء بهار، از شاعران و نویسندگان دوره ی مشروطه، در دیوان اشعارش به کرات مسلمانان
را به وحدت و هم آرایي دعوت و از افتراق و جدایی باز می دارد و تنها راه نجات و سعادت جامعه ی اسلامی
را وحدت برمی شمارد:

خوش بُود ازملتِ اسلام عزیز

دست بشویند زکین و ستیز

زان که فزون است بدانیش ما

دشمنِ مَلک و عدوِّ " کیش ما

چاره ی ما نیست به جز اتحاد

این ره رشد است، فَنَدِیمَ الرَّسَدِ شاد

(بهار 1382: 452)

2/5/2- وحدت، ریسمان الهی

ابن مسعود (رض) می فرماید: به این طاعت و جماعت پایبند باشید زیرا این همان ریسمانی است که خداوند فرمان داده است؛ بدان چنگ زنید و آن چه در جماعت خوش نمی دارید بهتر است از آن چه در پراکندگی خوش می دارید. (ابن ابی شیبہ، المصنف، 8/ 627؛ حسینی، 1386: 86)

در صحیحین به روایت ابن عباس از پیامبر (ص) آمده است: هر کس به اندازه ی یک وجب از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و در این حال جان بسپارد بر جاهلیت مرده است. (قرضاوی، 1378: 40)

مسلمانان تا به طور همگانی با اخلاص و ایمان در مبارزه ی ملّی شرکت نکنند به پیروزی نخواهند رسید. شرکت پرشور توده های مردم در مبارزه ی ملّی مستلزم وجود ملّتی واحد و حقیقی می باشد. پیوستگی مطلوب از وحدت روحانی و معنوی مردم سرچشمه می گیرد. وحدتی که از هماهنگی در ایمان به فلسفه ی حیات پدید آمده باشد. چنین وحدت معنوی و پیوستگی ملّی، مردم را قادر می سازد که در آشوب حوادث به هدف صیانت حیات ملّی نایل آیند و در کار دفاع ملّی کوشا باشند و مصائب آن را با شوق و رغبت هر چه تمام تر تحمل نمایند. (فارسی، 1345: 51 تا 59)

در زمینه ی پرهیز از ستیزه جویی نیز به آیات و احادیث زیادی بر می خوریم از آن جمله: «ابوبکر بن نفیع بن الحارث الثقفی» می گوید که از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «هرگاه دوفرد مسلمان شمشیر به دست با یکدیگر روبه رو شوند قاتل و مقتول در آتشند، گفتم یا رسول الله (ص) قاتل به جای خود، مقتول چرا؟ فرمود: زیرا او نیز در کشتن برادرش حریص بوده است». زیرا مؤمنی که قلبش مملو از نور ایمان است دستش را به خون برادرش آغشته نمی کند و جانش را نمی گیرد و یا قصد جانش را

نمی‌کند. البته اگر علیه کسی که ستمکاریا متجاوز است و قصد جان، مال و ناموس انسان را داشته باشد اقدام شود، نه تنها گناهی صورت نمی‌گیرد بلکه از اجر و ثواب نیز برخوردار خواهد شد، زیرا به وظیفه‌ی شرعی رفتار گردیده است و مجرمی از صحنه برداشته شده است.

هرگاه دو گروه یا دو کشور مسلمان با هم به خصامه پردازند وظیفه‌ی سایر مسلمین و سایر بلاد اسلامی است که بین آن‌ها صلح و آشتی برقرار نماید، اگر یکی از آن‌ها به جنگ ادامه داد بر مسلمین است که بر علیه متجاوز بجنگند و اگر کسی در این راه کشته شود شهید خواهد بود.

ام المؤمنین عایشه نیز از پیامبر روایت می‌کند: «منفورترین اشخاص در نزد خداوند، شخص ستیزه جوست». (الخوالی مصری، 1377: 136)

حال و کیلی که می‌دانند که موکّلتش برحق نیست و در دفاع از او پافشاری می‌کند و یا عالمی که می‌داند افکارش باطل است اما با افکارش مردم را فریب می‌دهد آیا طبق این فرموده جزء منفورترین افراد نخواهد بود.

2/2/6- وحدت، اطاعت از امیر

در حدیثی از خلیفه دوم روایت شده است: «لَا نَزَّهٌ لَا إِسْلَامَ إِلَّا بِجَمَاعَةٍ وَلَا جَمَاعَةٌ إِلَّا بِإِمَارَةٍ وَلَا أَمَارَةٌ إِلَّا بِطَاعَةٍ» (سنن دارمی، ج 1، ص 79) به تحقیق اسلام بدون جماعت و جماعت بدون رهبری و رهبری بدون اطاعت معنی ندارد. (مصری، 1381، ص 7 و 18)

استاد محمدحسین بهجت تبریزی متخلص به «شهریار» ضرورت وحدت در میان جامعه‌ی اسلامی را با پیوند دادن قلوب پراکنده و شرکت در صف نماز جماعت و اقتدا و پیروی از امام می‌داند:

همه لجاج ولجوج و همه عناد و عنود

معلق است به مویی جهان و بر سر آن

صف نمازکن این جدال

خود این قلوب پراکنده را به هم پیوند

و جنود (شهریار، 1376، ج 2، ص 984)

امروز جهان اسلام، برای بازگشت به اتحاد و اتفاق و افتداری و وحدتی که پیامبر اکرم (ص) برای بنیان نهادن آن زحمات طاقت فرسا و فعالیت های بی وقفه مبذول داشتند، راهی جز حرکت بر محور اسلام ندارد. و این اتحاد بدون فراهم کردن ساز و کارهای و ابزارهای کارآمد آن مصداق نمی یابد:

1- چنگ زدن به ریسمان الهی: قرآن کریم در صریح ترین آیه خود (آل عمران: 103)، در دعوت به اتحاد، تمام مؤمنان را به چنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه می خواند و می گوید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...»؛ یعنی همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید؛ و نعمت خدا را به خود یاد کنید آن گاه که با هم دشمن بودید و او میانه دل های شما الفت انداخت تا به لطف او برادر یکدیگر شدید و برپرتهای از آتش بودید، و او شمارا از آن رها نید. این آیه شریفه از مسلمانان می خواهد که با اسلام از دنیا خارج شوند، از این رو اعتصام به ریسمان الهی با توحید منهای نبوت پیامبر و لوازم آن صادق نیست.

و نیز خداوند در آیات 146 و 175 نساء و 101 آل عمران از تمسك جستن به خداوند، سخن به میان آورده است. در این که مقصود از ریسمان الهی چیست، مفسران اختلاف دارند. قرآن، کتاب و سنت، دین الهی، اطاعت خداوند، توحید خالص، ولایت اهل بیت (ع) و جماعت، وجوهی است که در تفسیر آن گفته شده است. برخی نیز مفهوم حبل الله را شامل همه این معانی دانسته اند. با این حال، به نظر می رسد که نزدیک ترین تفسیر برای این واژه، دیدگاه نخست یعنی قرآن است؛ چنان که در روایتی از رسول اکرم (ص)، قرآن؛ ریسمان الهی کشیده شده میان آسمان و زمین معرفی شده است: «کتاب الله هو حبل الله الممدود من السماء الى الارض». قرآن، خود از مومنان خواسته است تا در منازعات و اختلافات خود، به خداوند رجوع کنند: «فان تنازعتم في شئ فردوه الى الله»؛ بنابراین، قرآن افزون بر آن که می تواند در نقش محور یگانگی، ایجاد کننده آن باشد؛ می تواند در رویکرد اختلافات، یگانگی پیشین را نیز اعاده کند. چنین نقشی برای قرآن بدان سبب است که افزون بر دعوت همگان به یگانگی و بر حذر داشتنشان از تفرقه، نظام عقیدتی، اخلاقی و عملی منسجم و هماهنگی را ترسیم می کند که هر کس بدان رجوع کند، ناخود آگاه خود را با میلیون ها پیرو قرآن یگانه می یابد.

ابن مسعود (رض) در روایتی از وحدت به عنوان ریسمان الهی یاد می کند و می فرماید: به این طاعت و جماعت پای بند باشید زیرا این همان ریسمانی است که خداوند فرمان داده است؛ بدان چنگ زنید و آن چه در جماعت خوش نمی دارید بهتر است از آن چه در پراکندگی خوش می دارید. (ابن ابی شیبہ، المصنف، 8/627؛

در صحیحین به روایت ابن عباس از پیامبر (ص) آمده است: هر کس به اندازه ی یک وجب از جماعت مسلمانان فاصله بگیرد و در این حال جان بسپارد بر جاهلیت مرده است. (قرضاوی، 1378: 40)

2- مراجعه به سنت پیامبر (ص): افزون بر آن که قرآن، وجود پیامبر (ص) را محوری برای همبستگی و یگانگی مسلمانان می‌شناسد (آل عمران: 159)، مراجعه به سنت حضرت را نیز راه کارهایی برای ایجاد و حفظ یگانگی معرفی کرده است: «فان تنازعتم فی شیء فردوه الی ا و الرسول». بازگرداندن به رسول در روایت حضرت علی (ع) به مراجعه به سنت پیامبر تفسیر شده است. پیامبر (ص) با توجه به عهده دار بودن سمت شرح و تبیین قرآن در کنار مقام رسالت (نحل: 44)، افزون بر آن که خود می‌تواند برطرف کننده منازعات و مشاجرات باشد و بدین سبب پذیرش داور و مورد تاکید قرآن است (نساء: 65)، سنت حضرت به صورت شارح قرآن می‌تواند ابهامات و اشتباهات در فهم قرآن را که خود ممکن است زمینه ساز پراکندگی باشد، برطرف کند.

احمد رفاعی (رح) می‌فرماید: کسی که اقوال و افعال خود را با قرآن و سنت پیامبر مقایسه نکند و حالات نفسانی خود را سرکوب نکند از زمره ی مردان نیست. (حسن پور، 1385: 12)

3- امر به معروف و نهی از منکر: قرآن، پس از فراخوانی مسلمانان به جنگ زدن به ریسمان الهی و پرهیز از تفرقه، از آنان می‌خواهد که به انجام امر به معروف و نهی از منکر قیام کنند: «و لتكن منكم امة يدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر» (آل عمران: 104) و بی‌درنگ، به آنان هشدار می‌دهد که به سان پیروان ادیان پیشین که در دینشان دچار چند دستگی شده اند، پراکنده نشوند: «ولاتکونوا کالذین تفرقوا» (آل عمران: 105) این امر نشان می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر، نقش ویژه ای در برقراری اتحاد و نیز جلوگیری از تفرقه ایفا می‌کند. برخی مفسران، این نقش را چنین تبیین کرده اند که اعتصام به حبل ا، امت را به مثابه جان قرار می‌دهد و دعوت به خیر، این اصل را تغذیه می‌کند و امر به معروف حافظ و پشتیبان آن است. از نگاه برخی دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، پوششی اجتماعی برای محافظت جمعیت است و حفظ وحدت اجتماعی بدون نظارت عمومی ممکن نیست. فخر رازی بر این باور است که اجرای امر به معروف و نهی از منکر به قدرت نیاز دارد و قدرت، به الفت و یگانگی منوط است. افزون بر آن، پذیرش چنین نقش مؤثری برای این دو فرضیه الهی، بدان سبب است که پراکندگی در دین و چند فرقه شدن، یا ناشی از اشتباه در فهم متون دینی است یا از هواپرستی افراد و گروه ها سرچشمه می‌گیرد و امر به معروف و نهی از

منکر به صورت نظارت اجتماعی می تواند مانع رهیافت و رواج چنین انحرافات باشد؛ همان گونه که قرآن، عامل تفرقه را نادانی نمی داند، زیرا معتقد است: پس از آمدن ادله و براهین پراکنده شده اند؛ بدین جهت گفته شده است که اگر میان یهود، انجام این فریضه رواج داشت، پراکندگی میانشان رخ نمی نمود.

«امام اوزاعی» آمران به معروف و ناهیان از منکر را گوشزد می کند که از پنج چیز برحذر باشند: 1- آنچه که قلب را به فتنه و فساد می کشاند 2- آنچه کینه و نزاع به بار می آورد 3- آنچه قلب را جریحه دار می کند 4- آنچه پرهیزگاری را در گفتار ضعیف می سازد 5- آنچه حرکت و عمل نیک را بی ارزش می نماید. (بلالی، 1378: 121)

4- مراعات حقوق برادری: قرآن، مؤمنان را به مثابه جان های یک دیگر دانسته، از آنان می خواهد که به خویشتن عیب نگیرند: «ولاتلمزوا أنفسکم» و بر حرمت سوءظن، حرمت تجسس، (حجرات: 12) و تهمت های ناروا، (نور: 23) پای فشرده و غیبت کردن مؤمن را به مثابه خوردن گوشت مرده برادر خود دانسته است: (حجرات: 12)، و به سبب هم سویی چنین پیوندی با اراده الهی، راه مؤمنان را محور حق برشمرده و عدم پیروی از راه آنان را هم سنگ مخالفت با پیامبر (ص) دانسته است (نساء: 115)، قرآن از مؤمنان خواسته است تا به سان بهشتیان، کینه ها از دل هایشان زدوده شود (حجرات: 47)، و درون جانیشان به هم مهر ورزند و از خداوند، بخشیدن برادران دینی را پیش از خود و نیز زدودن کینه درباره برادران دینی را بخواهند: «ربنا اغفر لنا و لآخونا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا غلا» للذین ءامنوا. (حشر: 10) در روایات اسلامی بر اهمیت پیوند برادری و کوشش برای استحکام آن با انجام اموری چون به دیدار هم رفتن، هدیه دادن و... نیز حقوق برادران ایمانی تأکیدهای فراوانی شده است.

5- اصلاح ذات البین: به رغم وجود عناصر اتحاد هم چون وحدت عقیده، رهیافت اختلاف و منازعه میان برادران ایمانی تا حدی طبیعی و جزو رهاوردهای زندگی اجتماعی است. این اختلاف می تواند در اعتراض به چگونگی تقسیم بیت المال باشد (انفال: 1) یا بر سر اموری که تا سرحد صف آرایي و جنگ در برابر یک دیگر منتهی شود: (حجرات: 9)؛ اما قرآن برای مقابله با چنین اختلافاتی و به منظور ماندگاری یگانگی پیشین مؤمنان، از آنان خواسته است تا برای اصلاح میان برادران دینی و رفع منازعه مداخله (حجرات: 9) و در صورت ایجاد کدورت، خود به اصلاح فیما بین اقدام کنند: (انفال: 1)؛ چنان که برای رفع اختلاف در نهاد خانواده، پا در میانی و داوری از دو طرف را برای اصلاح میان زن و شوهر پیشنهاد می کند. (نساء: 35)

6- جلوگیری از توهین به مقدسات و بحث های اختلاف برانگیز: از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است: «المسلم من سلم المسلمون من لسانه ويده.» (الهي، 1382: 23) مسلمان واقعی کسی است که مسلمانان دیگر از دست و زبانش در امان باشند.

در فرازی از حضرت علي (رض) آمده است: «لَو سَكَتَ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ.» (مجلسي بي تا: 1، ج 75) یعنی: اگر جاهل سکوت می کرد، مردم اختلاف نمی کردند.

امام خمینی (ره) در بخشی از سخنرانی خویش در نهم خردادماه 1360 در جمع روحانیون اهل سنت کردستان به جلوگیری از اختلاف اشاره کرده می گویند: «آنهايي که مي خواهند بين اهل سنت و اهل تشيع فاصله ايجادکنند نه سني هستند نه شيعه.» (خمینی، 1386: 252)

لقمان حکیم دل و زبان را بهترین و بدترین اعضای بدن می داند و می گوید: «اگر دل و زبان پاک باشند بهترین اعضای بدن هستند و اگر ناپاک باشند بدترینشان محسوب می شوند.» (حسن پور، 1385: 133)

7- برنامه های عبادی: در اسلام، تشریع عبادات به گونه ای انجام گرفته که فرد و اجتماع را خواسته یا ناخواسته به همگرایی و یگانگی عملی فرامی خواند.

الف. دعا: قرآن، افزون بر دعوت از مؤمنان به مناجات با خداوند (غافر: 60)، خود، در بردارنده عالی ترین مضامین دعا است و بررسی مضامین این دعاها نشان می دهد که غالب آن ها به صورت جمع ارائه شده است؛ نظیر آیات 191 تا 194 آل عمران که سفارش به دعا برای چهل مؤمن پیش از دعا برای خود، از آن حکایت دارد که اسلام به روح یگانه نگرستن امت، تأکید فراوان دارد.

ب. نماز: نماز، نماد عبادت در اسلام است و هر مسلمان وظیفه دارد در شبانه روز، حداقل هفده بار سوره فاتحه را که جامع و هم سنگ همه قرآن است، در نمازهای خود قرائت کند. با آن که کلمات این سوره از زبان يك شخص ادا می شود، در خطاب های آن، از ضمائر و هیئت جمع استفاده شده است؛ نظیر «ایک نعبد و ایک نستعین، اهدنا الصراط المستقیم»؛ چنان که از مسلمانان خواسته شده است هنگام نماز، همگی رو به کعبه بایستند. (بقره: 144) این امر نشان می دهد که قرآن در پی ایجاد روح هم گرایی و جمع نگری در دل هر مسلمان است؛ هرچند که تنها به نماز ایستاده باشد.

ج. نماز جماعت: تأکید بر حضور در مساجد و برقراری نماز جماعت: «و ارکعوا مع الرکعین»

(بقره:43) و نیز نوید دادن ثواب های فراوان به اقامه آن در روایات، از جمله برنامه های عبادی اسلام برای ایجاد هم گرایی است.

د. نماز جمعه: قرآن بر پای نماز جمعه و رها ساختن تمام کارها از جمله بیع برای ادای آن، تأکید کرده است. (جمعه:9) بدون تردید، حضور در نماز جمعه در هفته یک بار در کنار حضور روزانه در نماز جماعت، راهکاری برای ایجاد پیوند و یگانگی بیش تر مؤمنان به شمار می رود و تأکید بر حضور مؤمنان در اجتماعات، به همین امر ناظر است.

هـ. مناسک حج: قرآن یکی از حکمت های وجوب حج را مشاهده منافع از سوی مسلمانان دانسته است: «لِيشهدوا منافع لهم». (حج:28) پیداست که از مهم ترین منافع مورد نظر در این آیه، استحکام هرچه بیشتر پیوند برادری و یگانگی میان مؤمنان و نشان دادن قدرت آنان در صورت حفظ این یگانگی است. چنان که حرمت جدال و منازعه در حج (بقره:197) و بر تن کردن لباس های یک رنگ و ساده احرام و انجام مناسک حج همزمان و در کنار یکدیگر، همین هدف را دنبال می کند.

از دیگر گام هایی که می توان در تحقق وحدت برداشت، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- سعی و تلاش در جهت تبلیغ و گسترش عدالت اجتماعی در جامعه و کم کردن فاصله ی طبقاتی بین مذاهب مختلف.

2- تقویت فرهنگ ودانش عمومی برای جلوگیری از تعصبات خشک مذهبی.

3- تعامل علمی با فرهیختگان مذاهب مختلف.

4- رفتار مسالمت آمیز با پیروان مذاهب مختلف.

5- تبادل نصیحت و همیاری براساس نیکی و تقوا؛ همان گونه که رسول اکرم(ص) می فرمایند: «الدین النصیحه» (الهی، 1382:17 به روایت مسلم)

6- لزوم میانه روی و پرهیز از افراط و مبالغه گویی در دین. (قرضاوی، 1378:17)

7- عدم قاطعیت وسختگیری ومخالفت شدید درمسائل اجتهادی (همان:1378:17)

8- پرداختن به مشکلات کلان امت اسلامی. (همان:1378:17)

9- اغماض وگذشت وآسان گیری درمسائل اختلافی. (همان:1378:17)

4- سخن آخر

آن چه برای ما مسلمانان مهم است، این است که معرفت خود را نسبت به اسلام، قرآن و پیامبر اکرم(ص) زیاد کنیم. امروزه درد تفرقه وجدایی درد دنیا یکی از دردهای مهم و بزرگ به شمار می رود، محور وحدت مسلمانان جهان می تواند مشترکات دینی به ویژه پیامبر اکرم(ص) باشد زیرا این مشترکات علاوه بر اعتقاد، یک پیوند عاطفی ومعنوی را بین مسلمانان ایجاد می کند و دل ها واحساسات آنان را به یکدیگر متصل می نماید.

وضعیت دگرگون مسلمانان در سایه ی تفاهم، همیاری، یکپارچگی بارور خواهد شد و در سایه ی موجودیتی که از پراکندگی، ناسازگاری و رویارویی، رنج بسیار دیده است، خشک و بی روح خواهد بود. در نتیجه اتحاد، عامل بنیادین برافراشتن و شکوفندگی تمدن ها؛ و چندی دستگی عامل بنیادین شکست و سقوط تمدن ها خواهد بود. براین اساس و برطبق آیات قرآن و ارشادات نبوی، همگان باید وحدت و یکپارچگی را سرلوحه ی عمل خویش قرار دهند و از پراکندگی و خودرایی بپرهیزند؛ اخوت ودوستی را نصب العین خود قرار دهند و از دشمنی ها و کینه توزی ها اجتناب کنند.

منابع و مأخذ

1- قرآن کریم

2- الخوای مصری، محمد عبدالعزیز، (1377)، چراغ مصطفوی، ترجمه: جلال جلالی زاده،

- 3- الهی، محمد عاشق، (1382)، زاد الطالبین (مژاد الراغبین)، اخراج الاحادیث: عبدالمجید مرادزهی خاشی، پاکستان: اسلامیات
- 4- بخاری، محمد بن اسماعیل، (1384)، مختصر صحیح البخاری، اختصارکننده، ابوالعباس زین الدین احمد بن احمد بن عبداللطیف الشرحی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، زاهدان: انتشارات حرمین، چاپ اول.
- 5- بلالی، دکتر عبدالحمید (1378)، راه های نفوذ شیطان برای فریب انسان، محمد صالح سعیدی، تهران: نشر احسان، چاپ اول
- 6- بهار، ملک الشعر (1382)، دیوان، تهران: انتشارات آزاد مهر.
- 7- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (1404 ق)، رسالت انقلاب اسلامی ایران در توحید کلمه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج 2.
- 8- پاینده، ابوالقاسم، (1382)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش
- 9- تبریزی، مائب (1382)، دیوان، با تصحیح و مقدمه امیر فیروز کوهی، تهران: انتشارات کتب فروشی خیام.
- 10- حجازی، فخرالدین (ثبت دفتر کتاب خانه ملی 4/9/54)، سرود اقبال (لاقبال لاهوری)، تهران: انتشارات بعثت
- 11- حرانی، حسن بن علی بن شعبه (بی تا)، تحف العقول.
- 12- حسن پور، پردل (1385)، سخنان نغز از صاحبان مغز، سراوان: ناشر مؤلف، چاپ اول.
- 13- حسینی، سید شهاب الدین، (1386)، اتحاد و انسجام اسلامی در احادیث مشترک اهل سنت و شیعه، ترجمه محمد تقدّمی صابری، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول.

- 14- خمینی، روح الله (رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران)، (1386)، وحدت از دیدگاه امام خمینی (س)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ سوم.
- 15- سعیدی، مصلح الدین عبدالله، (1365)، گلستان سعدی، به اهتمام محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم.
- 16- سید قطب، (1361)، مجموعه مقالات اخلاق و تربیت در اسلام، ترجمه: روح الله مازندرانی، تهران: رسالت قلم، چاپ دوم.
- 17- شهریار، محمدحسین (1376)، دیوان شهریار، تهران: انتشارات نگاه، 4 جلد.
- 18- شهید، ناهید (1381)، تمثیل های برگرفته از احادیث، تهران: انتشارات مهتاب، چاپ اول.
- 19- عطارنیشابوری، فریدالدین ابوحامد محمد بن ابوبکر بن ابراهیم بن اسحاق، (1371)، دیوان، تصحیح: اسماعیل شاهرودی (بیدار)، تهران: فخر رازی، چاپ اول.
- 20- علی ابن ابی طالب، (1387)، نهج البلاغه، گردآورنده: سیدرضی، مترجم: محمددشتی، مشهد: نورالمبین، چاپ دوم.
- 21- فارسی، جلال الدین، (بی تا)، حقوق بین الملل اسلامی، تهران: نشر فرهنگ 2 از انتشارات کانون محصلین.
- 22- فردوسی، حکیم ابوالقاسم (1314)، شاهنامه، به اهتمام: بروخیم، چاپ تهران.
- 23- قرضاوی، یوسف، (1378)، بیداری اسلامی و مواجهه ی صحیح با اختلافات، ترجمه: عبدالرسوی گلرانی، تهران: نشر احسان، چاپ اول.
- 24- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب ابن اسحاق، (1375)، اصول کافی، شرح: جواد مصطفوی، تهران: ولی عصر، ج 2.

25- لاهوري، اقبال (1330)، دیوان اقبال لاهوري (حکمت اشعار)، تهران: کتابخانه سنایید، چاپ دوم.

26- متقی هندی، علاء الدین علی ابن حسام، (1374)، کنز العمال، قم: مؤسسه فرهنگی دارالحديث.

27- مجلسی، محمد باقرین محمد تقی (بی تا)، بحار الانوار، بیروت، لبنان: دار احیاء التراث العربی، ج 75.

28- مصری، ابوالبراهیم احمد بن نصر □ (1381)، مبانی همبستگی و همگرایی، عبدالغنی براهویی،

تایباد: انتشارات سنت، چاپ اول.

29- مصطفوی، جواد، (بی تا)، اصول کافی، ترجمه و شرح اصول کافی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

3 (چهار جلدی).

30- معین، محمد، فرهنگ، (1384)، به اهتمام عزیز □ علی زاده، ج 4 (شش جلدی)، تهران: انتشارات

نامن، چاپ اول.

31- مولوی جلال الدین محمد بن محمد بن الحسین البلخی ثم الرومی (1371)، مثنوی معنوی، به کوشش

و اهتمام: رینولد البین نیکلسون، با مقدمه ی شادروان محمد عباسی، تهران: نشر طلوع.

32- (1380)، کلیات شمس تبریزی، حروف چینی: طاهری، مطابق با نسخه تصحیح شده استاد بدیع

الزمان فروزانفر، تهران: پیام، چاپ سوم، جلد دوم.

33- نظامی، (1380) دیوان، مصحح و گردآورنده: وحید دستگردی، تهران: انتشارات پارسا منش.

34- وحشی بافقی، کمال الدین (شمس الدین) محمد، (1370)، دیوان، تصحیح: محمد عباسی، تهران:

فخر رازی، چاپ سوم.

[\[1\]](#) - کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دبیر آموزش و پرورش شهرستان خواف، تلفن:

09153325574 همراه: 05154224418 email: com.yahoo@toufigh74

[21]- دانشجوي کارشناسي فرش دانشگاه بیرجند

[31]- دانشجوي فوریت های پزشکی ، com.gmail@khaf.tjr